تاریخ‌نگاری نو، در مصر*

دکتر مصطفی عبد الغني
ترجمه عبد الله فرهی**

چکیده

دکتر مصطفی عبدالغنی در این نوشتار به نقل از دکتر عبدالخالق‌لاشین وضع تاریخ‌نگاری مصر را در این روزگار، در سه دوره برمی‌رسد. دوره نخست (۱۸۳۵-۱۹۱۹) با ظهور رفاعةالطهطاوی و شاگردان وی آغاز می‌شود. دوره دوم (۱۹۱۹-۱۹۶۰) را با آمدن «مورخ متخصص و حرفه‌ای»، از دوره پیشین می‌توان بازشناخت و دوره سوم، هنگامه گسترش شتابنده علوم و تأثیرگذاری آنها در یک‌دیگر است.

کلیدواژگان

مصر، تاریخ‌نگاری، مورخ، رفاعة الطهطاوی، مورخ حرفه‌ای.

* به نقل از د. مصطفی عبدالغنی (۲۰۰۳م)، التاریخ المصری (الکتابة / Writing)؛ معجم مصطلحات التاریخ العربی الحدیث و المعاصر، قاهره، الهیئة المصریة العامة للکتاب.

** کارشناس ارشد تاریخ، گرایش تاریخ اسلام، دانش‌گاه «تربیت مدرس».

تاریخ‌نگاری نو و معاصر مصر را در قرن‌های نوزدهم و بیستم، در چند بخش می‌توان گنجاند. دکتر عبدالخالق لاشین، استاد تاریخ چنین نوآوری کرد و به گفته خود او نبود ترتیب، گاهی این مراحل را به هم می‌ریزد که این مشکل، در کارهای نوشته شده در زمینه تاریخ چنان‌که وی آن را سامان داده است، به توضیح نیاز دارد، اما با وجود این، تایخ‌نگاری مصر را با توجه به مراحل آن از دهه سی‌ام قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم، چنین می‌توان تقسیم کرد:

دوره نخست (۱۸۳۵-۱۹۱۹)

۱. رفاعة الطهطاوی

رفاعة با کارها و مسئولیت‌های فراوانش، در این دوره بسیار تأثیر گذارد:

الف) وی هنگامی که در بخش توپخانه، مترجم بود (پیش از ۱۸۳۵م)، در مصر مدرسه‌ای برای تاریخ و جغرافیا تأسیس کرد و نخستین بار در مدرسه‌های این کشور به تدریس تاریخ پرداخت. تاریخ در همین دوران با نام «علم»، در انگلستان به رسمیت شناخته و یک کرسی استادی برای مطالعه و تدریس تاریخ، در نیمه قرن هجدهم (دوره پادشاهی جرج اول)، وضع شد. هم‌چنین یک کرسی استادی در کالج دی فرانس فرانسه (۱۷۶۹م) برای تدریس [دانش رسمی] تاریخ بنیاد یافت. سطح تدریس در این کشورها در سنجش با مصر بسیار متفاوت بود و اگر آنها را با یک‌دیگر بسنجیم، به این تفاوت‌های ژرف پی خواهیم برد.

ب) او از ۱۸۳۵میلادی، مسئول مدرسه «السُن» بود و بر ترجمه‌های فراوانی در زمینه تاریخ نظارت یا در آنها شرکت می‌کرد. کتاب *تاریخ مصر* که مصطفی‌الزرابی، محمدعبدالرازق و عبدالله ابوالسعود، در ۱۸۳۹ میلادی آن را از فرانسه به عربی برگرداندند و با عنوان «بدایة القدماء و هدایة الحکماء» چاپ شد، یکی از این نمونه‌هاست. همچنین الزرابی کتابی درباره تاریخ قرون وسطا در دو جلد ترجمه کرد، که الطهطاوی برای آن مقدمه‌ای نوشت. ابوالسعود افندی نیز کتابی درباره تاریخ فرانسه ترجمه کرد که در ۱۸۴۱ میلادی به چاپ رسید. هم‌چنین حسن‌قاسم کتاب دیگری درباره تاریخ فرانسه ترجمه کرد که در ۱۸۴۸ میلادی چاپ شد. احمد عبید الطهطاوی کتابی درباره پطر کبیر، امپراتور روسیه و محمدمصطفی الجبالی کتابی درباره کارلوس دوازدهم، پادشاه سوئد، ترجمه کردند که در ۱۸۴۱ میلادی چاپ شدند. هم‌چنین

شماری از کارمندان زبان‌دان، کتاب‌هایی تاریخی درباره کاترین (قیصر روسیه)، بونابرت، تاریخ ایتالیا، زندگی‌نامه فردریک کبیر، امیر لمیکیاویللی و... به عربی ترجمه کردند. این آثار و ترجمه‌ها، نخستین ارتباط را میان اندیشه مصری عربی با روش‌های علمی تاریخ و تاریخ‌نگاری به سبک غربی پدید آورد.

ج) هنگامی که مدرسه «السن» در ۱۸۶۸ میلادی در دوران خدیوی اسماعیل دوباره راه‌اندازی شد، الطهطاوی با عنوان رئیس بخش ترجمه، دوباره به صحنه آمد و شماری از شاگردان برگزیده‌اش را که از مدرسه السن قدیم فارغ‌التحصیل شده بودند، همراه خود آورد؛ صالح مجدی، محمد قدری، محمد، عبدالله ابوالسعود، برخی از آنان بودند. این افراد در زمینه‌های تاریخی با انگیزه فراوان به کار تألیف پرداختند. روی‌کرد الطهطاوی، قوم‌گرایانه و هدفش ستایش میراث مصر باستان و مایه‌های بزرگی آن و از ویژگی‌های داخلی و خارجی موفق متأثر بود. از این‌رو، بر پایه منابع معتبر کتابی به نام *أنوار توفیق الجلیل فی أخبار مصر و توثیق بنی‌اسماعیل* نوشت (۱۲۸۵ه.ق/۱۸۶۸ـ۱۸۶۹م) و در آن به تاریخ مصر قدیم پرداخت. او کتابش را نه از آفرینش که با به‌کارگیری روشی علمی، از سپیده‌دم تاریخ باستان آغاز کرد.

وی دومین کتاب تاریخی خود را درباره سیره رسول اکرم با عنوان *نهایة الایجاز فی سیرة ساکن الحجاز*، بر پایه روش کتاب پیشینش سامان داد. شاید این کتاب، نخستین پژوهش علمی برای بررسی این موضوع به شیوه نو به شمار آید و شاید جز دکتر هیکل که کتاب *حیاة محمد* را نوشت (۱۹۳۵م)، کسی در این زمینه از او پیروی نکرده باشد.

طهطاوی نتوانست طرح خود را در نگارش تاریخ مصر از دوران اسلامی و فتوحات آن تا دوران معاصر پیش از مرگش به پایان برساند. برخی از شاگردان او و کسانی جز آنان، مانند درس‌خواندگان مدرسه‌های جدید داخل و خارج مصر، در پدید آمدن این آثار و تاریخ‌نگاری‌ها شرکت کرده‌اند. نام و ویژگی شماری از این افراد چنین عرضه می‌شود:

۲. صالح مجدی (۲۶ـ۱۸۲۷م)، متولد روستای «ابورجوان»

وی با علی‌مبارک در نوشتن کتابی درباره تاریخ مصر از دوره فراعنه تا ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۷۴۲م) هم‌کاری کرد. صالح مجدی این کتاب را در قالب چهارصد جزوه به علی‌مبارک سپرد، اما [تا کنون] چاپ نشده است.

۳. عبدالله ابوالسعود افندی (۱۸۲۰م)، متولد «دهشور»

وی به تدریس تاریخ در مدرسه دارالعلوم و نوشتن مقاله پرداخت و با گروه تحریر مجله *روضة المدارس* هم‌کاری کرد و افزون بر این، نخستین مجله ملی‌گرایانه را در مصر به نام *وادی النیل* (۱۸۶۶م) به راه انداخت و در مقاله‌های فراوانی در زمینه تاریخ در آن منتشر کرد.

۴. علی‌مبارک (۱۸۲۳م)، متولد «برنبال»

وی کتاب نقشه‌های سرزمینی تطبیقی را با نام *الخطط التوفیقیة* در بیست جلد و به سبک *خطط* مقریزی نوشت و در نوشتن کتابی ویژهٔ مصر که از دوران فراعنه آغاز می‌شد، با صالح‌مجدی هم‌کاری کرد، اما این کتاب چاپ نشد. او هم‌چنین کتاب *سیدیو* را از فرانسه به عربی ترجمه و به نام *خلاصة تاریخ العرب* در ۱۳۰۹ هجری قمری (۹۱ـ۱۸۹۲م) منتشرش کرد.

او در زمینه‌های تاریخ‌نگاری نیز با گروهی روبه‌رو شد که مطالعات علمی را در حوزه‌های تخصصی ویژه‌ای سامان می‌دادند. این افراد تخصص‌های علمی خود را مانند ستاره‌شناسی، ریاضیات، توپوگرافی[1]، هندسه، باستان‌شناسی و...، با تاریخ‌نگاری می‌آمیختند.

۵. محمود فلکی (۱۸۱۵م)

وی به پژوهش درباره تاریخ میلاد و هجرت پیامبر و نقشه نیل قدیم در اسوان، نخستین نقشه شهر قدیم اسکندریه و مقایسه اهرام و واحدهای اندازه‌گیری (فدان و ذراع) و واحدهای سنجش (أردب، قدح، رطل و درهم) و... پرداخت.

۶. محمد مختار (۱۸۳۵م)، اهل قاهره

کتاب وی *التوقیفات الالهامیة*، پژوهشی درباره تاریخ‌های هجری و تطبیق آنها با گاه‌شمارهای قبطی و میلادی و مطالعات و پژوهش‌هایش درباره سطح‌های متری و تطبیق آنها با فدان‌ها[2] و مقابله اندازه‌ها و وزن‌های واحدهای اندازه‌گیری و سنجشی و

۱. دانش نقشه‌برداری از عوارض طبیعی زمین.

۲. واحد پیمایش سطح، برابر با ۴۲۰۰/۸۳۳ مترمربع در مصر.

پیمانه‌ای در مصر است. او هم‌چنین کتابی درباره سبک زندگی و رفتار ژنرال ستون امریکایی وکارهای اکتشافاتی وی در مصر و سپس شرح زندگی محمودفلکی و... را نوشت.

۷. اسماعیل سرهنک (و ۱۹۲۴م)

او افسر دریایی بود و ریاست مدرسه‌های جنگی را بر عهده داشت. کتاب وی، *حقائق الاخبار عن دول البحار* در سه جلد منتشر شد؛ جلد یکم و دوم در ۱۸۹۶ و ۱۸۹۸ و جلد سوم در ۱۹۲۳ میلادی. وی در این کتاب، به پشتوانه منابع و مراجع معتبر به تاریخ دولت‌های بحری باستان و جدید پرداخت.

۸. پیش‌گامان مدرسه باستان‌شناسی مصر باستان

احمدکمال، حسین‌زکی، احمد حسن و... از این دسته‌اند که هم‌کاری‌های علمی آنان در زمینه کارهای اکتشافی و نگارشی فراوان است.

۹. دانش‌آموختگان مدرسه باستان‌شناسی با گرایش دوره اسلامی

ریاست این مدرسه بر عهده محمودفلکی، اسماعیل‌فلکی، علی‌بهجت و... بود که ویژگی کارهای تلفیقی برخی از آنان پیش از این آمد.

۱۰. شماری از روشن‌فکران مصری انجمن دانش (جمعیة المعارف)

آنان در ۱۸۶۸ میلادی این انجمن را برپا کردند. این انجمن در نشر و چاپ بسیاری از کتاب‌های کهن تأثیر گذارد. هم‌چنین انجمن جغرافیا (جمعیة الجغرافیة) که در ۱۸۷۵میلادی پاگرفت، با هم‌کاری شماری از مصریان در تهیه و انتشار بسیاری از مطالعات تاریخی، بسیار تأثیرگذار بود.

[روی‌دادهایی مانند] رشد جنبش ملی‌گرایی، شعله‌ور شدن انقلاب عربی و دگرگونی‌های ژرف جامعه مصری در نیمه سوم قرن نوزدهم، فاجعه نفوذ بیگانگان و اینکه بریتانیا مصر را تصرف کرد، بر توجه به تاریخ افزود و متون تاریخی فراوانی [بدان جامعه] سرازیر شد و «خاطره‌نویسی» به همت کسانی مانند احمد عرابی، محمد عبده، عبدالله‌الندیم، محمودفهمی و... برای نخستین بار پدید آمد.

مکتب تاریخی تازه‌ای نیز در همین زمان ظهور کرد که نوشته‌های فراوانش، موضوع‌های گوناگون را در برمی‌گرفت. افراد زیر را از مشهورترین اعضای این مکتب، می‌توان برشمرد:

۱. میخاییل شاروبیم

کتاب او، *الکافی فی تاریخ مصر*، است که چهار جلد از آن، در ۱۸۹۸-۱۹۰۰ چاپ شد. این کتاب تاریخ مصر باستان را تا زمان فتح مصر به‌دست عربان، دوران عربی اسلامی، دوران حکومت عثمانی، عهد محمدعلی تا پایان دوران توفیق‌پاشا دربرمی‌گیرد.

۲. یعقوب أرتین

وی به زبان فرانسه می‌نوشت، اما برخی از کارهای او ترجمه شد؛ مانند *عن التعلیم فی مصر* (۱۸۹۰م) که آن را علی‌بهجت از فرانسه به عربی ترجمه و در ۱۸۹۴ میلادی منتشر کرد. *الاحکام المرعیة فی شأن الاراضی المصریة*، از دیگر کتاب‌های اوست که سعیدعمون آن را به عربی برگرداند.

۳. فیلیب جلاد

کتاب وی *قاموس الإدارة و القضاء* نام دارد که نخستین بار در ۱۸۹۲ میلادی در اسکندریه و در شش جلد منتشر شد. این اثر از کتاب‌های سندی و دسته اول (منبع) به شمار می‌رود.

٤. سلیم خلیل نقاش

وی را از افراد سوری و شامی ساکن مصر می‌توان دانست که کتابش را با نام *مصر للمصریین* در نه جلد نوشت و تنها شش جلد پایانی آن منتشر شد. نعوم شقیر نیز کتاب‌هایی به نام‌های *تاریخ سیناء* و *تاریخ السودان و امثال العوام فی مصر و السودان و الشام*» نوشت. هم‌چنین از کسانی مانند جرجی زیدان (نویسنده آثار تاریخی فراوان)، رشیدرضا، محمدکردعلی، عبدالرحمن‌کواکبی و... می‌توان نام برد.

۵. أمین سامی

کتاب او به نام *تقویم النیل* در سه جلد و چند مجلد منتشر شد. این اثر از کتاب‌های سندی و دسته‌اول (منبع) است که سندهای [تاریخی] مصر را از دوران محمدعلی تا پایان دوره اسماعیل دربردارد.

۶. إلیاس الایوبی

تاریخ مصر فی عصر الخدیو إسماعیل، منتشر شده در ۱۹۲۲ ـ ۱۹۲۳ میلادی از اوست.

دوره دوم (از انقلاب ۱۹۱۹ تا پایانه پنجمین دهه قرن بیستم میلادی)

این دوره را با ظهور مورخان، متخصصان و پژوهش‌گران حرفه‌ای، از دوره‌های پیشین می‌توان بازشناخت. این افراد از دانش‌کده‌های مصری و دیگر دانش‌گاه‌ها و از میان دانش‌جویان دارای بورسیه تحصیل در فرانسه، انگلستان یا دیگر کشورهای اروپایی برخاستند. شهیرترین دانش‌کده‌های مصر، مدرسة المعلمین العلیا [دانش‌سرای عالی تربیت معلم] یا دانش‌گاه مصر بود و دیگر دانش‌گاه‌ها پس از دهه چهلم در این کشور پدید آمدند. تأثیرگذاری پایان‌نامه‌های تحصیلی و نوشته‌های دانشجویان خارج از مصر و ترجمه‌های آثار علمی در زمینه تاریخ، نیز فراوان بود.

افراد زیر از نام‌دارترین پیش‌گامان این نسل از مورخان مصرند:

محمد صبری‌السوریونی؛	زینب عصمت‌راشد؛
محمد شفیق‌غربال؛	جمال‌الدین الشیال؛
محمد رفعت؛	محمدمحمود السروجی؛
حسن عثمان؛	جلال یحیی؛
محمد عوض‌محمد؛	عبدالعزیز الشناوی؛
محمد مصطفی‌صفوت؛	عبدالرحمن زکی؛
أحمد عزت‌عبدالکریم؛	صلاح العقاد؛
محمد فؤادشکری؛	احمد الحتة؛
محمد احمدأنیس؛	حسین خلاف؛
أحمد عبدالرحیم‌مصطفی؛	علی‌الجریتلی؛
محمد رفعت‌رمضان؛	أمین‌عفیفی‌عبداللاه؛
عبدالحمید البطریق؛	راشدالبراوی و ... .

هم‌چنین، سیل نوشته‌های غیر تخصصی یا غیر حرفه‌ای، بر اثر تألیف‌ها، ترجمه‌ها و فعالیت‌های دسته اول پژوهش‌گران دانش‌گاهی و کارشناسان تاریخ جدید و معاصر سرازیر شد. برای نمونه از آثار کسانی مانند احمد شفیق، در نشریه‌ها و خاطره‌هایش، عبدالرحمن‌الرافعی، نویسنده و ملی‌گرای بزرگ در سلسله تألیفاتش درباره تاریخ اقوام مصری در بیش از پانزده مجلد (۱۹۲۹ـ۱۹۵۷م)، محمد بدران، در نوشته‌ها و ترجمه‌هایش، محمد قاسم و عبدالحمید العبادی در زمینه تاریخ معاصر، امیر عمر طوسون و... می‌توان یاد کرد. افزون بر این، گروهی دیگر از ناکارشناسان مانند صبحی وحیده، شهدی عطیة

الشافعی، إبراهیم عامر، فوزی جرجِس و... هستند که نوشته‌هایشان بر اثر بینش علمی - انتقادی، با دیگران متفاوت است.

رهبران، سیاست‌مداران، متفکران، کارگزاران حکومتی و...، مانند سعدزغلول، أحمدلطفی‌السید، عبدالعزیزفهمی، د. هیکل، قلینی‌فهمی، عبدالرحمن‌فهمی، محمدعلی‌علوبة، عبدالوهاب‌النجار، إسماعیل‌صدقی، إبراهیم‌الهلباوی، حسن البناء، سلامة موسی، محمدکامل سلیم، الاحمدی الظواهری، أحمدأمین، صلیب سامی، عبدالعزیز علی، محمدمظهرسعید و... نیز بر گستره خاطره‌نویسی افزوده‌اند. برخی از آثار اینان منتشر شده و پاره‌ای از آنها به دلیل محرمانه بودن هنوز منتشر نشده است.

نوشته‌ها و ترجمه‌های فراوانی در این دوره پدید آمد و بسیاری از پژوهش‌های تاریخی نیز در همین زمان ترجمه و منتشر شد. افزون بر اینها، انجمن پژوهش‌های تاریخی مصر (الجمعیة المصریة للدراسات التاریخیة) از ۱۹۴۵ میلادی بنیاد یافت و در زمینه پژوهش‌های تاریخی بسیار کوشید.

دوره سوم (از ۱۹۶۰ میلادی تا کنون)

جهش‌های بزرگی در محورهای تاریخ‌نگاری بر اثر پیدایی دگرگونی‌های گسترده و ژرف، در این دوره تحقق یافت. این دگرگونی‌ها نه تنها از پی حرکت رو به رشد آموزش عالی در دانش‌گاه‌ها یا گروه‌های پژوهشی بیگانه، که بر اثر تغییرهای مهم جامعه مصر پدید آمد و ناگزیر از دید کمی و کیفی در تاریخ و تاریخ‌نگاری‌ها و گروه‌های زیر تأثیر گذارد:

۱. دانش‌گاهیان و کارشناسان؛

۲. تازه‌کاران و ناکارشناسان؛

۳. خاطره‌نویسان و صاحبان روزنامه‌های خاطره‌نویسی (سیاست‌مداران، رهبران، دولت‌مردان، متفکران و...).